

واکاوی جایگاه رسول خدا (ص) در دانش الاهی امام

محمدتقی شاکر*

یدالله ربیعی**

[تاریخ دریافت: ۹۵/۰۲/۰۸؛ تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۶/۲۵]

چکیده

صفت علم و آگاهی در کنار عصمت دو مؤلفه اصلی شکل‌دهنده ویژگی‌های شخصیتی جانشین پیامبر از نگاه شیعه است. مکتب امامیه امام را علاوه بر عهده‌داربودن مرجعیت دینی و علمی دارای حق انحصاری الاهی در این حوزه می‌داند. این نگاه با توجه به جایگاه امامت در منظومه باورهای شیعه استحکام یافته است. چرایی این اعتقاد با نظر به ارتباط امام با عالم غیب و پذیرش مبادی خاص و الاهی برای امام پاسخ داده می‌شود. بر این اساس، نگاشته حاضر با رویکردی تحلیلی کوشیده است پس از تقسیم منابع دانش امام، با استناد به گزارش‌ها و روایات (فریقین) به آگاهی و علمی پردازد که از طریق پیامبر ﷺ به امام علی (علیه السلام) انتقال یافته است. مطابق رهنمود آیات و روایات، علم به احکام و حلال و حرام و همچنین علم به قرآن به واسطه پیامبر اکرم ﷺ به ائمه اطهار (علیهم السلام) منتقل شده است و امام نقش تبیینی و تفسیری در خصوص این موضوعات دارد. از مبادی دانش امام که رسول خدا ﷺ در بهره‌مندی از آن یا انتقالش نقشی تعیین‌کننده دارد، می‌توان به آگاهی از ظاهر و باطن قرآن، کتاب الجامعة، الف باب و جفر ابیض اشاره کرد که نگاشته حاضر در مقام تبیین و تحلیل آن است.

کلیدواژه‌ها: علم امام، الجامعة، قرآن، الف باب، جفر ابیض.

* دانش آموخته دکتری کلام امامیه دانشگاه قرآن و حدیث قم (نویسنده مسئول). 14mt.shaker@gmail.com

** استادیار گروه معارف، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود. ab33845@gmail.com

طرح مسئله

اعتقاد و التزام به امامت مبتنی بر شناخت صحیح از مقام و خصایص امام است. تحلیل مفهوم و ماهیت امامت و بررسی شرایط و اوصاف امام بر موضوعاتی مانند ادله ضرورت امامت منطقاً سبقت و تقدم دارد (یزدی مطلق، ۱۳۸۱: ۱۲۵ و ۱۲۶). از سویی با توجه به مسئله ختم نبوت، موضوع خلافت و ولایت ائمه (علیهم‌السلام)، و از سوی دیگر، مسئله مبادی و منابع علم امام مطرح می‌شود. همچنین، اهمیت علم امام در نظریه شیعی و نیز تأثیر آن در فهم دیدگاه امامت شیعی و لزوم پاسخ‌گویی به شبهات مختص به این مسئله وابسته به دریافت و فهم دقیق و صحیح از مبادی و سرچشمه‌های علم امام است. به نظر امامیه، علم امام شبیه علم پیامبر است، بلکه یکی از منابع مهم دانش امام علمی گسترده و دست‌نیافتنی است که از طریق پیامبر به جانشینان خود به‌ترتیب منتقل می‌شود.

این اعتقاد علاوه بر ادله عقلی و روایی عام، پشتوانه روایی خاصی دارد. مراد از روایات خاص، احادیثی است که به تبیین علمی پرداخته‌اند که از طریق پیامبر یا طرق دیگر به وصی و خلیفه الهی منتقل شده باشد. این احادیث علاوه بر برشمردن نوع علوم انتقالی، به کیفیت این انتقال و زمان آن نیز اشاره دارند. در این روایات برخی از منابع علوم امام برای یقین و اطمینان نزدیکان یا حتی برخی از مخالفان به آنها نمایش داده شده است. بر این اساس، پرسش از مبادی دانش امامان شیعه افزون بر اینکه می‌تواند دغدغه و کنکاشی طبیعی باشد، می‌تواند شبهه‌ای از جانب مخالفان تصور شود که در صواب‌بودن و راهنما بودن کلام پیشوایان به حقیقت تشکیک می‌کند. به هر روی، این پرسش نیازمند پاسخ است. بیشتر مسائلی که اندیشمندان درباره علم امام مطرح و بررسی کرده‌اند، در دو محور کیفیت علم امام از لحاظ حضوری بودن یا نبودن علم امام و همچنین کمیت علم دور می‌زند و سخن از مبادی علم پیشوایان شیعه سابقه‌ای طولانی ندارد.

در تبیین منابع و ابزار دانش بر اساس آیات و روایات، خداوند متعال برای تحصیل دانش به صورت مطلق، ابزار و راه‌هایی قرار داده است. به تعبیر دیگر، منشأ دانش، همانند همه دیگر چیزها، فقط خداوند سبحان است، اما تحصیل و سرازیر شدن آگاهی به روح و

قلب انسان به دو گونه اصلی تحقق می‌یابد: بی‌واسطه یا باواسطه. لزوم آگاهی و علم امام از مسائل گوناگون، در روایات به یکی از ویژگی‌های امام گره خورده است که در پیوند با امت و جامعه برگشت دارد؛ یعنی مسئله لزوم اطاعت که از لوازم عقلی و نقلی مفهوم امامت است. امام باقر علیه السلام در تفهیم لزوم دانش گسترده و فوق‌طبیعی برای رهبر و امام جامعه می‌فرماید: «والله لا یكون عالم جاهلاً ابداً، عالماً بشيء و جاهلاً بشيء، ثم قال: الله اجل و اعز و اعظم و اكرم من ان یفرض طاعة عبد یحجب عنه علم سمائه و ارضه، ثم قال: لا یحجب ذلک عنه» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۶۲/۱، ح ۶؛ صفار، ۱۴۰۴: ۱۲۴، ح ۲).

ضرورت علم و آگاهی امام منحصر در آگاهی‌های مربوط به مدیریت عمومی جامعه نیست، بلکه شئون امام در ارتباط با دین و دنیای انسان‌ها مقتضی برخورداری از دانش‌های مربوط به آن است. از این‌رو شیعه معتقد است علم امام شبیه علم پیامبر است که آیات و روایات فراوانی از فریقین هم بر این موضوع دلالت می‌کند.^۱ پس از پذیرش و روشن‌شدن ضرورت بهره‌مندی امام از علم الاهی، این پرسش مطرح می‌شود که: وسائط و ابزار حصول علوم ویژه (خدادادی و علم لدنی) امام چیست؟ سرچشمه علم امام را می‌توان از یک نگاه به دو دسته تقسیم کرد: علوم بی‌واسطه^۲ و علوم باواسطه. دسته دوم یعنی علوم باواسطه را می‌توان در دو گروه جای داد: علوم انتقالی از پیامبر صلی الله علیه و آله؛ علوم ایصالی به واسطه روح و فرشته. این تقسیم‌بندی بر اساس محل صدور و راه و شیوه دریافت علم و آگاهی و بر اساس عرضه‌کننده معرفت و علم صورت گرفته است، نه بر اساس زمان یا مکان آگاهی امام^۳ یا نحوه و کیفیت دریافت ایشان.^۴ طبق مبنایی که از روایات به دست می‌آید، علم هر امامی به امام بعد از خود منتقل می‌شود. از این‌رو آگاهی‌یابی و معرفت امام علی علیه السلام به عنوان جانشین اول پیامبر از علوم نبوی (به طریق عادی و غیرعادی و به گونه‌های گوناگون) نتیجه‌بخش آگاهی تمامی ائمه علیهم السلام از آن علوم خواهد بود؛ گرچه در زمان این آگاهی‌یابی، ظاهر روایات متفاوت است. پیامد این کنکاش می‌تواند چرایی ادعای مرجعیت علمی انحصاری امامان شیعه را با ادله اثبات کند و مجهولاتی چند در این حوزه را نشان دهد. در نگاهی کلی و کلان، عناوین کتاب الجامعة، صحف و کتب انبیا، الف باب و علم به قرآن در گروه علوم انتقالی از پیامبر صلی الله علیه و آله به امام جای می‌گیرد.

دانش امام، دانش نبی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یکی از راه‌های اصلی انتقال علم به امام است و به عنوان سرچشمه‌ای برای علم امام شناخته می‌شود که علوم و معارف گوناگون و مخصوصی را به جانشینان پس از خود انتقال داده است. بررسی علوم انتقالی از پیامبر به امام در شناخت جایگاه امامت و مسئله نص و نصب اهمیت خود را نمایان می‌کند. در ادامه دلایل انتقال علم به واسطه پیامبر صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام در سه حوزه اصلی معارف دینی بررسی می‌شود. بر اساس مبانی روایی هر مبدء دانشی که برای امام علی علیه السلام مقرر باشد، آن دانش برای سایر ائمه علیهم السلام نیز ثابت است (نک: کلینی، ۱۴۰۷: ۱۶۸/۱-۴۳۹).

۱. آشکار و نهان قرآن

در عظمت و بلندی رتبه قرآن همین بس که آخرین کتاب تشریح خدا بر آفریده برتر الاهی، خاتم پیامبران، نازل شد و خود را «بیانگر همه چیز» معرفی کرد. اما آیا آگاهی از قرآن به افراد خاصی عطا شده است؟ و آیا قرآن علوم ویژه و مخصوصی دارد که همه انسان‌ها به آن معارف دسترسی ندارند؟

برخی از آیات قرآن تصریح دارد که علم و آگاهی از قرآن به گروه خاصی عطا شده است: «بل هو آیات بینات فی صدور الذین اوتوا العلم» (عنکبوت: ۴۹؛ نک: رعد: ۴۳؛ آل‌عمران: ۷). این گروه همان کسانی هستند که خداوند اطاعت و پیروی از ایشان را قرین اطاعت خود و پیامبر گرامی خود قرار داد و پلیدی‌ها و انواع گوناگون و کوچک و بزرگ زشتی و رجس را از ایشان دور کرد. از بهترین دلایل انتقال دانش کامل قرآن از طریق رسول خدا صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام می‌توان به مصحف امام علی علیه السلام اشاره کرد. نخست باید دانست که در زمان حیات حضرت رسول صلی الله علیه و آله و پس از آن، تدوین قرآن که با نام مصحف صورت می‌گرفت، نسبتاً رواج داشت؛ به گونه‌ای که نام ۲۳ صحابی در این باره ثبت شده است (ایازی، ۱۳۸۰: ۷۰). در روایات، از قرآنی به نام مصحف علی علیه السلام یاد شده که علاوه بر ترتیبی خاص، شامل توضیحاتی درباره آیات قرآن نیز بوده است که به ویژگی‌های آن اشاره می‌کنیم. خصوصیات مصحف علی علیه السلام را به اختصار می‌توان به دو گروه تقسیم کرد.

ویژگی‌های کلی شامل فراگیری تمام قرآن، کتابت آن به دست حضرت علی (علیه السلام)، جمع شدن آن میان دو لوح (جلد)، و مشتمل بر مطالبی در حاشیه آیات. این مصحف بر اساس صحیفه‌های موجود نزد پیامبر ﷺ و به دستور حضرت گردآوری شد. تدوین مصحف برای استفاده مسلمانان صورت گرفت، هرچند با استقبال غاصبان خلافت مواجه نشد (نک: شاکر، ۱۳۹۵: ۵۹-۶۵).

ویژگی‌های خاص آن چنین است: تدوین آن بر اساس ترتیب نزول ذکر ناسخ و منسوخ، اشتغال بر تأویل، اشتغال بر تنزیل، بیان محکم و متشابه، تفصیل احکام، ذکر اسامی اهل حق و باطل، املائی پیامبر و خط علی (علیه السلام) (همان: ۶۶).

از جمله روایات بیانگر نقش رسول خدا ﷺ در انتقال معارف کامل قرآن به پیشوایان امامیه، سخن امام علی (علیه السلام) در این زمینه است: «سلونی عن کتاب الله فوالله ما نزلت آیه من کتاب الله فی لیل و لا نهار و لا مسیر و لا مقام الا و قد أقرانیها رسول الله ﷺ فعلمنی تأویله و تنزیله» (طوسی، ۱۴۱۴: ۵۲۳، ح ۱۱۵۸؛ و نک: کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۶۴، ۲۲۴، ح ۳ و ۴؛ همان: ۴۴۲/۷، ح ۵۰۶؛ صفار، ۱۴۰۴: ۴۷، ح ۱، ۵۱۳، ح ۳۳؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۱/۱۷، ح ۱۳، ۱۵/۱، ح ۵؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۷۹/۸۹، ح ۳، ۸۱، ح ۱۰، ۸۸، ح ۲۷، ۹۷، ح ۵۹). «از من درباره کتاب خدا پرسش کنید که به خدا آیه‌ای در شب یا روز و در راه یا توقفگاه نازل نشد، مگر آنکه پیامبر آن را برای من قرائت کرد، پس تأویل و تنزیلش را به من آموخت».

البته از روایات استفاده می‌شود که ائمه (علیهم السلام) علم تفسیر قرآن را از دیگران نفی نکرده‌اند، اما برای علم و آگاهی خود از تفسیر قرآن دو ویژگی بیان کرده‌اند:

۱. عمومیت و جامعیت آگاهی ایشان در برابر آگاهی برخی افراد از بعضی آیات که آگاهی ناقص است.

۲. متقن بودن تفسیر امامان شیعه در برابر آگاهی ناصحیح و فهم نادرست یا تفسیر ظنی از قرآن (نک: صدوق، ۱۳۶۲: ۲۷۶؛ طوسی، ۱۴۱۴: ۱۷۰؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ۱/۲۶۱ و ۸۲؛ صدوق، ۱۳۹۵: ۲۸۴/۱؛ هلالی، ۱۴۱۵: ۵۸۱، ۶۲۴، ۸۰۲؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۶۴؛ همان: ۲۱۳/۱، ح ۲؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۱/۱۶، ح ۸؛ صفار، ۱۴۰۴: ۱۹۴، ح ۷).

دلیل بر این گفتار روایاتی است که اهل بیت (علیهم السلام) و قرآن را عدل هم، در کنار هم و جدانشدنی از هم می‌داند (طوسی، ۱۴۱۴: ۴۷۹)، حدیث ثقلین (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۲۹۳، ح ۳؛

همان: ۴۱۴/۲، ح ۱) بهترین و متقن‌ترین سند بر این ادعا است. همچنین، قرآن کریم خبر از وجود تأویل برای آیات قرآن می‌دهد. این حقیقت را در لسان روایات نیز می‌توان مشاهده کرد که در روایات از آن بیشتر به عنوان بطن یا بطون یاد شده است (عیاشی، ۱۳۸۰: ۲/۱ و ۱۱؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۵۹۸/۱؛ هلالی، ۱۴۱۵: ۷۶۹؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۸۳/۸۹، ح ۱۵؛ همان: ۹۰/۸۹، ح ۳۴). این مطلب در روایات اهل سنت بیشتر با تعابیر سبعةً أحرُف و تأویل کتاب بیان شده است (نک.: سیوطی، ۱۴۰۴: ۶/۲-۸).

۲. دانش شریعت

شریعت یا قانون الهی که از آن به احکام حلال و حرام نیز یاد می‌شود، از دو مجرای اصلی به واسطه رسول خدا ﷺ به پیشوایان شیعه انتقال یافته است که یکی مسیر دانش شفاهی و دیگری مجرای ویژه و غیررسمی (علم لدنی) است. در هر دو مجرا رسول خدا ﷺ محوریت در انتقال را بر عهده داشته است.

۲. ۱. کتاب الجامعة

کتاب یا مصحف الجامعة از عناوین مؤکد روایات درباره علم امام است، که نشانه‌ای از پیوند عمیق میان امامت و نبوت است. «جامعة» اثری از رسول خدا ﷺ خوانده شده است: «انما هو اثر عن رسول الله ﷺ»؛ «همانا جامعة اثری از پیامبر است» (صفار، ۱۴۰۴: ۱۳۹، ح ۳؛ همان: ۱۴۶، ح ۲۱).

در بیان ویژگی‌های جامعة آمده است:

۱. املاي جامعة را پیامبر ﷺ و نگاشته‌شدن سخنان حضرت ﷺ را که به

صورت خصوصی بیان می‌شده است، امام علی (علیه السلام) عهده‌دار بود.

۲. نوشته‌شدن کلمات پیامبر ﷺ بر روی پوست شتر یا گوسفند (همان، ۱۴۵،

ح ۱۹، ۱۴۹، ح ۱۳).

۳. اندازه این صحیفه، از نظر طول هفتاد ذراع، به اندازه ذراع پیامبر ﷺ است

(همان: ۱۵۳، ح ۶؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۲۴۱/۱، ح ۵).

۲. ۱. ۱. محتوای جامعه

تبیین موضوع و محتوای جامعه با عبارت‌های متفاوتی در کتاب‌های حدیثی ثبت شده است (صفار، ۱۴۰۴: ۱۵۳، ح ۶؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۲/۲۶، ح ۹، ۲۳، ح ۱۳، ۲۵، ح ۲۳، ۴۱، ح ۷۲؛ صفار، ۱۴۰۴: ۱۴۲، ح ۳ و ۱۴۴، ح ۸): «فیها کل حلال و حرام و کل شیء یحتاج الیه الناس حتی الارش من الخدش» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۳۸/۱، ح ۱؛ صفار، ۱۴۰۴: ۱۵۱، ح ۳؛ نک: صفار، ۱۴۰۴: ۱۴۴، ح ۱۱، ۱۴۸، ح ۱۱).

تعبیر «تمام نیازمندی‌های مردم»، و «تمام حلال و حرام‌ها»، نقطه تعارض گونه میان تعبیر احادیث در خصوص محتوا و موضوع جامعه است. با توجه به خانواده احادیث مربوط به جامعه، می‌توان ادعا کرد محتوای اصلی جامعه احکام حلال و حرام شرعی است. شواهد این گفتار عبارت‌اند از:

۱. روایاتی که پیشوایان شیعه را به دلیل بهره‌مندی از جامعه، از فقها و بزرگان فقهی دیگر مذاهب و گروه‌ها برتر دانسته‌اند. در این روایات ائمه (علیهم‌السلام) خود را با توجه به در اختیار داشتن جامعه و استفاده از آن، بی‌نیاز و برتر از سایر فقها دانسته‌اند و علم فقهای دیگر مذاهب را به دلیل دسترسی نداشتن به جامعه، علمی ناقص و آنها را نیازمند به ائمه (علیهم‌السلام) معرفی کرده‌اند (صفار، ۱۴۰۴: ۱۴۵، ح ۱۵ و ۱۵۷، ح ۱۹ و ۱۶۱، ح ۳۳).

۲. عبارات پایانی بیشتر احادیث، که در تمام این روایات به یک مضمون آمده است، مسئله جریمه خراش و آسیب جزئی روی پوست بدن است. این قرینه‌ای است که محتوای این صحیفه یا کتاب را تمام مسائل فقهی در بر گرفته که مردم به آن نیاز دارند. در غیر این صورت لازم بود جزئی‌ترین مسئله از علوم و موضوعات دیگر نیز حداقل در برخی روایات ذکر شود.

۳. در برخی احادیث، قطعات و جملاتی از جامعه بیان شده است که ملاحظه و دقت در این جملات، که فقط بازگویی مسائلی چند از احکام و عبادات است، نشان‌دهنده محتوای جامعه و قرینه بر آن است (همان: ۱۴۳، ح ۷، ۱۴۵، ح ۱۴ و ۱۷، ۱۵۷، ح ۱۶، ۱۵۸، ح ۲۱، ۱۶۵، ح ۱۱ و ۱۴؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۲۴۱/۱، ح ۴).

این قرینه‌ها، شواهدی است که نشان می‌دهد محتوای اصلی و محوری مسائل جامعه را ابواب حلال و حرام یا همان فقه در بر گرفته است. البته بر قرائن مذکور قرینه‌های دیگری هم می‌توان افزود.

۲.۲. الف باب

روایات مشهور به هزار باب علم (الف باب) از روایات پرتعدادی است که بیانگر یکی دیگر از منابع و مجاری علوم ائمه علیهم‌السلام است. در کتاب *المناقب* آمده است که ابن‌بابویه در *خصال* از ۲۴ طریق و در *بصائر الدرجات* از ۶۶ طریق این خبر را روایت کرده است (علوی، ۱۴۲۸: ۳۶/۲). در کتب اهل سنت نیز، این روایت نقل شده است (نک: حلی، ۱۹۸۲: ۲۴۰). ویژگی روایات الف باب آن است که بارها از زبان علی علیه‌السلام و برخی صحابی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و تعدادی از همسران حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بیان یا نقل شده است. همه روایاتی که در این زمینه وارد شده است، انتقال‌دهنده علوم را پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و دریافت‌کننده آنها را امام علی علیه‌السلام بیان کرده‌اند.

این علم، علمی ویژه بوده و برای یگانه وصی و خلیل حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم امکان تحقق داشت. از این رو بعد از پایان‌پذیرفتن این انتقال و فراگیری دانش، افرادی از محتوای این گفت‌و شنود پرسیدند. حضرت علی علیه‌السلام فرمودند: «مرا هزار در از دانش آموخت که هر دری هزار دروازه دیگر از علم را می‌گشاید» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۴۶/۸؛ صفار، ۱۴۰۴: ۳۱۳، ح ۱ و ۲ و ۳، ۳۰۴، ح ۸؛ صدوق، ۱۴۰۳: ۶۴۳/۲، ح ۲۱؛ همان، ۱۴۰۷: ۶۴۷). «حدثنی بالف باب من العلم یفتح کل باب الی الف باب». گفت‌وگوی عادی درباره چنین موضوع عظیمی با این ویژگی‌ها بدون شک به ساعت‌ها بلکه سال‌ها زمان نیاز دارد، و اخذ و دریافت تمام آنها نیز ساده و عادی نیست. در روایات بیان شده است که کسی آگاه و عالم به چنین علم گسترده‌ای نیست (صدوق، ۱۴۰۳: ۶۴۸/۲، ح ۳۷). حضرت علی علیه‌السلام نیز می‌فرماید اجازه اطلاع‌دادن و بیان آن را به دیگران ندارد و نام آن علم را اسرار و راز رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌نهد: «فلم أکن لأطلعکما علی سر رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» (صفار، ۱۴۰۴: ۳۰۸، ح ۶).

۲. ۱. گونه‌های روایات الف باب

روایات الف باب را می‌توان به طور کلی به دو گروه تقسیم کرد:

دسته اول؛ روایاتی که در آنها سخن گفتن و تعلیم دادن یک باب (در) یا یک حدیث یا یک حرف به علی علیه السلام بیان شده و از آن، هزار باب (یا به تعبیر برخی روایات هزار حرف یا هزار کلمه) گسترده و گشوده می‌شود و از آن هزار باب، هزار باب دیگر نمایان می‌شود (صفار، ۱۴۰۴: ۳۰۳): «حدثنی بابا یفتح الف باب کل باب یفتح الف باب».

دسته دوم؛ روایاتی که اکثر روایات را در بر می‌گیرد و در آنها از یک باب یا یک کلمه سخنی به میان نیامده است؛ بلکه از ابتدا تعلیم و تحدیث هزار باب مطرح است که از هر یک از آن هزار باب (هزار دروازه علم)، هزار باب دیگر آشکار می‌شود و می‌جوشد (همان: ۲۱۳): «حدثنی بالف حدیث یفتح کل حدیث الف باب».

در جمع‌بندی میان این دو دسته از احادیث می‌توان از کلمات مطرح‌شده در کتاب سلیم بن قیس کمک گرفت. در کتاب سلیم این‌گونه روایت شده است: «فتح لی مفتاح الف باب من العلم کل باب یفتح الف باب»؛ «برای من کلید هزار در علم گشوده شد که هر بابی هزار در را می‌گشاید» (هلالی، ۱۴۱۵: ۸۹۸؛ نک: همان: ۸۰۱). در این روایات سخن از کلید و مطلبی اساسی است که نمایانگر و گشاینده هزار باب علمی است که از آنها هزاران دروازه دیگر از علوم آشکار می‌شود. این گونه علم‌آموزی را نباید چیزی طبیعی شمرد، هرچند در بیان این علوم از الفاظ و حروف و کلمات معمول نیز بهره برده شود؛ همان‌گونه که برخی روایات نیز اشاراتی به این مطلب دارند. به نظر می‌رسد این بیان (آشکارشدن ابواب علم از یک باب و مطلب اساسی) با توجه به تعبیر «حدثنی» در تعدادی از روایات و تحقق این تحدیث در مدت‌زمان کوتاه، که یک روز مانده به رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله یا روز آخر حیات آن حضرت و در لحظات و ساعاتی از آن انجام یافته است، بیانی سازگارتر با روایات است. تعبیر «یفتح کل باب الف باب» در روایات می‌فهماند که هر باب از هزار باب اول، اصل یا مطلب جامع و کاملی را در بر می‌گیرد، به گونه‌ای که از آن هزار باب دیگر از علم باز می‌شود.

با توجه به این مطلب و اینکه در غالب روایات صیغه فعل به صورت مضارع آمده است، دانسته می‌شود علوم انتقالی همراه با تفصیل آن نبوده است، هرچند از این ویژگی

و خصوصیت بهره‌مند بوده است که تحقق‌بخش و زمینه‌ساز آفرینش فهم و دانش بسیاری از دروازه‌های علوم باشد.

همچنین، جملات به‌کاررفته در روایات دلالت می‌کنند که این گسترش پس از آن دریافت، و نه هم‌زمان با آن محقق می‌شود؛ به‌کاربردن حرف «فاء» (صدوق، ۱۳۸۵: ۱۵۹/۱؛ ابن‌طاووس، ۱۴۰۰: ۵۱۸/۲) و همچنین چینش کلمات روایات چنین دلالتی را می‌رسانند (صدوق، ۱۳۶۲: ۶۳۶)؛ مانند: «علمنی الف باب یفتح کل باب الف باب» و «استودعت الف مفتاح یفتح کل مفتاح الف باب یفضی کل باب الی الف الف عهد» (مفید، ۱۴۱۳: ۳؛ علوی، ۱۴۲۸: ۲۹۶/۲؛ طوسی، ۱۴۱۴: ۶۲۵).

۲.۲.۲. محتوای کلان الف باب

روایت اصبع بن نباته از علی علیه السلام دلالت می‌کند که ابواب تعلیمی به ایشان از طریق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، شامل حلال و حرام‌های الهی و آگاهی‌هایی از گذشته و آینده است، هرچند باید ادعا کرد طبق روایات، تعلیمات پیامبر صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام، منحصر به این موضوعات نبوده است (صدوق، ۱۴۰۳: ۶۴۷/۲؛ صفار، ۱۴۰۴: ۳۰۵).

از این روایت استفاده می‌شود که هزار باب علم فقط منحصر به علم حلال و حرام نیست، بلکه علمومی گسترده را شامل می‌شود (صدوق، ۱۴۰۳: ۶۴۴/۲؛ ح ۲۶، ۶۵۱؛ ح ۴۸؛ صفار، ۱۴۰۴: ۳۰۹؛ ح ۵؛ راوندی، ۱۴۰۹: ۷۴۶/۲؛ صفار، ۱۴۰۴: ۳۰۶، ۱۵؛ ح ۳۵۸، ۱۴؛ هلالی، ۱۴۱۵: ۸۰۱). از نکات دیگر، آشکارشدن و ظهور فقط یک باب یا دو باب از آن ابواب است (صدوق، ۱۴۰۳: ۶۵۰/۲؛ ح ۴۲، ۶۴۵؛ صفار، ۱۴۰۴: ۳۰۷؛ ح ۱۷، ۳۰۸؛ ح ۴) که این واقعه نیز دلیلی بر گستردگی و عظمت این ابواب است (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۹۷/۱؛ ح ۹). ابن‌عباس، که چندین بار راوی روایت الف باب است (نک: نباطی بیاضی، ۱۳۸۴: ۱۵۱/۲)، در عظمت این دانش و آگاهی، ضمن تأیید آن، خودش را از درک و فهم آن عاجز می‌داند (هلالی، ۱۴۱۵: ۸۰۱) و می‌گوید: «سمعت من علی حدیثاً لم ادر ما وجهه و لم انکره سمعته یقول ان رسول الله صلی الله علیه و آله اسر الی فی مرضه فعلمنی مفتاح الف باب من العلم یفتح کل باب الف باب». غزالی نیز در توصیف این دانش علی علیه السلام و طبیعی بودن یا منشأ فوق‌طبیعی داشتن آن، با پذیرش این روایت و صحیح‌دانستن آن، معتقد به الهی و لدنی (از نزد خدا) بودن این

واکاوی جایگاه رسول خدا (ص) در دانش الاهی امام / ۸۳

معرفت و آگاهی است و با تجلیل و احترام از این موضوع یاد می‌کند (ابن طاووس، بی‌تا: ۲۸۴؛ همو، ۱۴۰۰: ۱۳۶/۱).

نکته‌ای که برخی علما و اندیشمندان را به تبیین و توضیح درباره روایت الف باب واداشته، استدلال برخی از اهل سنت، به‌ویژه گروه معتزله، بر صحت قیاس و اجتهاد با استناد به همین روایات است. چنین برداشتی باعث شده است فرزندان شیعه مقصود و منظور روایات الف باب را تبیین کنند (نک: مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۲۹/۴۰).

درباره چگونگی تحقیق‌یافتن دانش‌هایی که از این‌گونه علم پدید می‌آید، چهار دیدگاه مشهور مطرح است:

۱. به واسطه خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
۲. با تفکر و جست‌وجوی حضرت علی علیه السلام
۳. هزار باب اصلی، نشانه و علامت‌های هزاران باب بوده‌اند.
۴. شیوه حکم‌کردن به صورت اجمالی تعلیم داده شده است (نباطی بیاضی، ۱۳۸۴: ۲۰۹/۳).

هرچند می‌توان، با توجه به محتوا و شاکله موضوعات علم الف باب، بیش از یکی از این اقوال را پذیرفت (نک: شاکر، ۱۳۹۱: ۱۵۷-۱۷۹).

۳. صحف انبیا (جفر ایض)

آیه ۱۳۳ سوره طه از بیان‌گر بودن قرآن درباره حقایق کتب آسمانی گذشته خبر می‌دهد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۴۰/۱۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۳۲۸/۳). بر این اساس، آیه مذکور از آگاهی غیبی و الاهی پیامبر از صحف اولی خبر می‌دهد و قرآن را مشتمل بر عقاید حق و اصول احکامی معرفی می‌کند که تمامی پیامبران بر آن اجتماع و اتفاق داشتند و این موضوع را شاهدی برای حقانیت قرآن و ادعای پیامبر می‌داند (آلوسی، ۱۴۱۵: ۵۹۳/۸؛ ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸: ۱۹۹/۱۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۵۷/۵). مفسران مراد از صحف اولی را تورات و انجیل و سایر کتب آسمانی بیان کرده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۴۰/۱۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۳۲۸/۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۵۹۳/۸؛ حقی بروسوی، بی‌تا: ۴۴۹/۵).

روایات فراوانی دلالت می‌کند بر اینکه علم هر پیامبری به پیامبر پس از خود و اوصیای او منتقل می‌شود. این انتقال با تعبیر «ارث‌رسیدن» و «ارث‌بردن» به کار رفته است (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۲۱/۱-۲۲۳، ح ۸-۱، ص ۲۲۵، ح ۴). در روایات این انتقال علم، فقط مخصوص علوم نگاه‌شده دانسته نشده، بلکه گفته‌اند علمی که با آدم ابوالبشر به زمین آمد، علمی ماندگار و باقی در زمین است که به انبیا و ائمه به ارث رسیده است (همان).

کتاب‌های آسمانی پیامبران گذشته مانند تورات، زبور، انجیل و صحیفه‌هایی مثل صحف موسی و ابراهیم از جمله علوم مکتوبی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله واسطه انتقال آن به امام علی علیه السلام است و هر امامی واسطه انتقال به امام بعدی است (همان: ۲۲۳/۱، ح ۱ و ۳، ۲۲۵، ح ۴ و ۵ و ۶، ۲۵۶، ح ۷). از این کتاب‌ها و صحیفه‌ها در برخی روایات با عنوان مختصر «جفر ابیض» یاد شده است. طبق برخی روایات، جفر ابیض شامل زبور، تورات، انجیل، صحیفه‌های موسی و ابراهیم است. برخی روایات، مصحف فاطمه علیها السلام را نیز ذیل جفر ابیض نام برده‌اند (همان: ۲۴۰/۱، ح ۳؛ صفار، ۱۴۰۴: ۱۵۰، ح ۱). در برخی دیگر از روایات، تمام کتاب‌های الهی قبل از تورات و انجیل ذیل عنوان جفر ابیض قرار گرفته‌اند (طبرسی، ۱۴۰۳: ۳۷۲/۲؛ مفید، ۱۴۱۳ الف: ۱۸۶/۲؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ۲۸۴؛ اربلی، ۱۳۸۱: ۱۷۰/۲؛ فتال نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲۱۰/۱؛ راوندی، ۱۴۰۹: ۱۸۹۴/۲). روایاتی دیگر با تعبیر «جفر» بدون صفت «ابیض» آن را شامل سلاح و کتب رسول‌الله و مصحف فاطمه علیها السلام دانسته‌اند (صفار، ۱۴۰۴: ۱۵۴، ح ۹). از روایات استفاده می‌شود که آن صحیفه‌ها دربرگیرنده مطالبی ارزشمند و مبانی و دلایل معارف الهی بوده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۶۹/۱، ح ۳؛ صدوق، ۱۳۶۲: ۵۸۹، ح ۱۵). همچنین، در روایات بیان شده است که ولایت علی علیه السلام در تمام صحف انبیا مطرح شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۳۷/۱، ح ۶؛ صفار، ۱۴۰۴: ۷۲، ح ۱)، همان‌گونه که طبق روایات، شواهدی از کتب انبیای سابق بر این موضوع دلالت دارد (صدوق، ۱۳۹۸: ۴۱۷، ۱۸۰، ح ۱۵؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۵۱۵/۱، ح ۳).

شاید بتوان گفت «جفر ابیض» عنوانی است که شامل دو دسته از کتب می‌شود:

- دسته‌ای که قرائت‌پذیر بود، به گونه‌ای که آگاهان به زبان آن کتاب می‌توانستند آن را قرائت کنند و مطالبش را بفهمند؛ مثل کتب تورات و انجیل (صفار، ۱۴۰۴: ۱۳۷، ح ۱۱، ۳۲۵، ح ۴؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۸۶/۲۶، ح ۲۰).
- دسته دوم نوشته‌هایی که به صورت رمز و اشاره بود.

به هر حال آنچه از روایات به دست می‌آید، این است که جعفر (مقصود کتب و صحف انبیا است) شامل علم گسترده و فراوانی بوده است. ابو عبیده از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که حضرت در پاسخ راجع به جعفر فرمود: «آن پوششی از پوست گاو است که سرشار از علم است» (صفار، ۱۴۰۴: ۱۵۳، ح ۶؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۲۴۱، ح ۵؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۴۱/۲۶، ح ۷۲). آگاهی و اطلاع ائمه علیهم السلام از مضمون و محتوای کتب انبیا به گونه‌های مختلفی بیان شده است (صدوق، ۱۳۶۲: ۳۴۱، ح ۱؛ صفار، ۱۴۰۴: ۱۳۲-۱۳۴، ح ۱-۹، ۳۴۰، ح ۱، ۳۴۱، ح ۳؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ۱/۳۶۶، ش ۳۸۴؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۸۰/۲۶، ح ۱ و ۳ و ۴). گویا دلیل نیاز به آگاهی داشتن امام از علوم انبیای سابق افزون بر مشتمل بودن آن مصاحف بر حقایق و هدایت‌های الاهی (همان‌گونه که قرآن، تورات را با عنوان «هدایت» می‌خواند (نک: مائده: ۴۴)) به دلیل نیاز سایر امت‌ها یا اثبات حقانیت دین خاتم‌المرسلین است، با کمک نشانه‌ها و دلایلی که در کتب انبیای گذشته برای این امر قرار داده شده است (دیلمی، ۱۴۱۲: ۲/۳۰۶). نشانه این دیدگاه علاوه بر تصریح آیات (بقره: ۱۴۶؛ انعام: ۲۰)، بروز و ظهور این حقایق از زبان امامانی است که شرایط لازم را برای تبیین این موضوعات به دست آورده‌اند.^۵

نتیجه

پایان یافتن بعثت مقتضی آن است که دانش مرتبط به رسالت و نبوت، که به تعبیری همان هدایت عام است، با خاتمیت به اتمام رسیده باشد؛ در نتیجه آگاهی‌های مربوط به دین و شریعت در هر سطح آن فقط از راه خاتم‌المرسلین محقق شده است. این مسئله اقتضا دارد مبادی و مجاری امام در کیفیت آگاهی از علم به کتاب مبین یا همان لوح محفوظ دو گونه تصویر شود. یعنی می‌توان از سویی تمام علوم امام را علمی خدایی و به تعبیر برخی روایات عالم‌بودن به تمامی کتاب مبین و ام‌الکتاب و علم‌الکتاب دانست و از سوی دیگر گروهی از علوم امام، مثلاً حلال و حرام، تشریح و تقنین، را از جانب پیامبر و به واسطه ایشان دانست. گرچه این علم پیامبر علمی است برگرفته و نازل‌شده از طرف پروردگار، اما به دلیل جاری شدن و تحقق آگاهی امام از آن به واسطه پیامبر که به فرمان خدا انجام می‌پذیرد، می‌توان آنها را علوم انتقالی و علوم کسب‌شده از پیامبر

دانست که بی‌شک شأن و جایگاه نبوت و خاتمیت رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سبب و علت امکان آگاهی‌یابی امام از آن علوم شده است.

بر این اساس، دانش پیامبر از دانش خدا است. علم امام علی علیه السلام به واسطه او دانش سایر ائمه علیهم السلام بازگشت به دانش رسول خدا صلی الله علیه و آله دارد، و انتقال این آگاهی از رسول خدا صلی الله علیه و آله به اوصیای ایشان امکان آگاهی‌یابی دیگر انسان‌ها از حقایق را با واسطه ایشان فراهم ساخته است. تمامی این امور وابستگی تام به رتبه خاتمیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دارد. از آن‌رو که مقام امامت ملازمی با نبوت ندارد، امکان استمرار آن پس از ختم نبوت وجود دارد و امام تمام حلال و حرام را از پیامبر دریافت می‌کند، ولی حق تشریح ندارد.

با آنچه گذشت، دانسته شد که افزون بر ترابط دانش امام در حوزه شریعت به دانش نبوی، امام آگاهی خود از محکومات و متشابهات قرآن را نیز از این طریق حاصل کرده است؛ همچنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله مجرای برای انتقال مصحف و کتاب‌های پیامبران گذشته به اوصیای خود بوده است. بر این اساس، مبنا و دلایل ادعای برخوردارگی امام از دانشی اختصاصی و الاهی به شیوه‌های شفاهی، تراث، الهام به واسطه رسول خدا صلی الله علیه و آله گفته شد و نیز شواهد دعوی مرجعیت علمی انحصاری امام و نیاز وافر جامعه دینی به عنصر و نهاد امامت نمایان گردید.

پی‌نوشت‌ها

۱. از آیات: احزاب: ۳۳؛ نساء: ۵۹؛ انبیاء: ۷؛ نحل: ۴۳؛ آل‌عمران: ۱۰۳؛ توبه: ۱۱۹؛ رعد: ۴۳؛ واقعه: ۷۷-۷۹؛ عنکبوت: ۴۹؛ فاطر: ۳۱-۳۳؛ از روایات: حدیث کساء، ثقلین، مدینه العلم، سفینه، امان، علی علیه السلام مع الحق و ده‌ها روایت دیگر.
۲. مقصود از این دانش‌ها، علمی است که خداوند مستقیماً بستر بهره‌مندی امام از آن را فراهم می‌کند.
۳. اشاره به روایتی که علم امام را سه نوع ماضی، غابر و حادث می‌داند (در ادامه به آن اشاره می‌رود).
۴. اشاره به حالت خواب، بیداری، یا عالم سابق یا این عالم، و بر قلب امام یا دیدن و شنیدن و غیره.
۵. برای آگاهی از مصادیق این گفتار نک.: مناظرات امام رضا علیه السلام با بزرگان ادیان مسیحیت، یهود، زرتشت و ... در کتاب *عیون اخبار الرضا* علیه السلام.

منابع

قرآن مجید.

- آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی (۱۳۶۲). *الأمالی*، تهران: اسلامیه.
- ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی (۱۳۸۵). *علل الشرائع*، قم: داوری.
- ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی (۱۳۸۵). *علل الشرائع*، قم: مکتبه الداوری.
- ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی (۱۳۹۵). *کمال الدین*، قم: دار الکتب الاسلامیه.
- ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی (۱۳۹۸). *التوحید*، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی (۱۴۰۳). *الخصال*، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن طاوس، علی بن موسی (۱۴۰۰). *الطرائف*، قم: خیام.
- ابن طاووس، علی بن موسی (بی تا). *سعد السعود للنفوس منضود*، قم: دار الذخائر.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- إربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱). *کشف الغمة*، تبریز: چاپ مکتبه بنی هاشمی.
- ایازی، محمدعلی (۱۳۸۰). *مصحف امام علی علیه السلام*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۶). *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم: بنیاد بعثت.
- حسکانی، عبیدالله (۱۴۱۱). *شواهد التنزیل*، تهران: مؤسسه چاپ و نشر.
- حقی بروسوی، اسماعیل (بی تا). *تفسیر روح البیان*، بیروت: دار الفکر.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۹۸۲). *نهج الحق و کشف الصدق*، بیروت: دار الکتب اللبنانی.
- دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲). *إرشاد القلوب إلى الصواب*، قم: الشریف الرضی.
- راوندی، قطب‌الدین (۱۴۰۹). *الخرائج والجرائج*، قم: مؤسسه امام مهدی (عج).
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت: دار الکتب العربی.
- سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۰۴). *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- شاکر، محمدتقی (۱۳۹۱). «پژوهشی در روایات الف باب»، در: *علوم حدیث*، ش ۶۶، ص ۱۵۷-۱۸۲.
- شاکر، محمدتقی (۱۳۹۵). *میراث حدیثی شیعه: ریشه‌ها و رویش‌ها*، قم: زمزم هدایت.
- صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴). *بصائر الدرجات*، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳). *الاحتجاج علی أهل اللجاج*، مشهد: مرتضی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰). *إعلام الوری*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴). *الأمالی*، قم: انتشارات دار الثقافة.

- علوی، محمد بن علی (۱۴۲۸). المناقب/الكتاب العتيق، قم: دلیل ما.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰). تفسیر العیاشی، تهران: چاپ‌خانه علمیه.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵). روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، قم: انتشارات رضی.
- فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۵). تفسیر الصافی، تهران: انتشارات الصدر.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴). بحار الأنوار، بیروت: مؤسسة الوفاء.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ الف). الارشاد، قم: کنگره جهانی شیخ مفید.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ ب). امالی، قم: کنگره جهانی شیخ مفید.
- نباطی بیاضی، علی بن یونس (۱۳۸۴). الصراط المستقیم، نجف اشرف: حیدریه.
- هلالی کوفی، سلیم بن قیس (۱۴۱۵). کتاب سلیم بن قیس، قم: انتشارات الهادی.
- یزدی مطلق، محمود (۱۳۸۱). امامت پژوهی، مشهد: دانشگاه علوم رضوی.